فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۸- صفحات ۳۱ - ۷

تحلیلی بر کارکرد دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در جهت اسلامی سازی اقتصاد

مرتضی عزتی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴

چکیده

یکی از مسأله‌های اساسی درباره اقتصاد ایران، عقب ماندن اقتصاد از آرمان‌های اقتصادی انقلاب و جمهوری اسلامی است. یکی از این آرمان‌های صریح و روشن، اسلامی شدن نظام اقتصادی است. آنچه از یک دولت انتظار می‌رود، حرکت در راستای تحقق هدف‌ها است. آیا دولت‌های مستقر شده در جمهوری اسلامی در راستای تحقق هدف‌های اسلامی در اقتصاد عمل کرده‌اند؟ این مقاله کوششی برای دست‌یابی به پاسخ این مسأله است. بر این پایه شاخصی ساخته شده است که با ابتنای بر اصول اسلام، نشان‌دهنده اقتصادی سازگار با اصول اسلام است. سپس با روش‌های آماری روند و تغییرات آن برای دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۳ اندازه‌گیری شده است. آنگاه دوره‌های ۸ ساله هر یک از دولت‌ها با هم مقایسه شده است. نتیجه، نشان می‌دهد در ۸ ساله ۱۳۶۰-۱۳۶۸ (دولت دوران جنگ تحمیلی) تغییر چندانی در شاخص رخ نداده است. در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۶ (دولت سازندگی) شاخص حدود ۸ درصد بهبود یافته است. در دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ (دولت اصلاحات) شاخص حدود ۲۸ درصد رشد داشته است و در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ (دولت اصل‌گرا) این شاخص حدود ۸ درصد کاهش داشته است.

واژگان کلیدی: شاخص اقتصاد اسلامی، اسلامی سازی اقتصاد، عملکرد دولت‌ها، ایران

طبقه‌بندی JEL: O47, C43, O53

۱. دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس mezzati@modares.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

مقدمه

یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، اسلامی شدن اقتصاد بوده است. بر پایه اصل ۳ قانون اساسی بر عهده دولت‌ها است که این مهم را پیگیری و اجرا کنند. همچنین دولت و مجلس باید برنامه‌های توسعه را به‌گونه‌ای طراحی کنند که اقتصاد به سوی اسلامی شدن برود. آیا پس از گذشت ۴۰ سال از تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران و تشکیل دوازده دولت در کشور، اقتصاد ایران اسلامی شده است؟

سال‌ها این مسأله که اقتصاد کشورهای اسلامی و اقتصاد ایران چه نسبتی با اقتصاد اسلامی دارد، موضوع بررسی‌ها و سخنان اندیشمندان بوده است. به‌گونه‌ای که سیدجمال‌الدین اسدآبادی سال‌ها پیش این موضوع را چالش مهمی برای کشورهای اسلامی می‌داند و با سخن شناخته شده خود می‌گوید که در غرب مسلمانی دیدم و در کشورهای اسلامی مسلمان. این موضوع به اندازه‌ای مهم بوده است که بسیاری به آن پرداخته‌اند و برخی نیز معیارها و شاخص‌هایی برای آن ارائه کرده‌اند. به‌گونه‌ای که برای هر شاخصی که در این زمینه ارائه شده است، نقدهای بسیار گسترده‌ای وارد شده است و از سوی نقدکنندگان، کوشش شده است درستی آن به چالش کشیده شود. با این وجود، هر یک از اینها کوششی بسیار مفید برای درک بهتر حرکت جامعه‌های مسلمان به سوی اسلامی شدن اقتصادشان است.

در ایران نیز کوشش‌هایی در این زمینه انجام شده است. دیدگاه‌های گوناگونی در زمینه معیار اسلامی شدن اقتصاد وجود دارد. با وجود این دیدگاه‌ها، مهم آن است که بتوان با معیارهایی با پایه اسلامی، اسلامی بودن آن را ارزیابی کرد. این مقاله کوششی برای ارزیابی کارکرد سیاست‌ها و عملکرد دولت‌ها در زمینه اسلامی کردن اقتصاد ایران است. برای دادن پاسخ درست به این پرسش، می‌بایست ۳ چیز را روشن کرد. نخست اینکه معیارهایی که بر پایه این دو، می‌تواند اسلامی بودن یک اقتصاد را نشان دهد، چه چیزهایی هستند؟ دوم اینکه، این معیارها چگونه اندازه‌گیری شوند؟ سوم نیز اینکه آیا کارکرد دولت‌ها موجب اسلامی شده اقتصاد شده است و کدام دولت‌ها در این زمینه بهتر کار کرده‌اند؟

این بررسی می‌تواند از چند جنبه نو باشد. نخست اینکه در یک چارچوب علمی و با روش‌های پذیرفته شده علمی انجام می‌شود. دوم اینکه، در این بررسی کوشش شده است روند این شاخص‌ها برای ۳۵ سال نیز به‌دست آید. سوم اینکه در این نوشتار کوشش می‌شود تحلیلی مقایسه‌ای میان دولت‌های حاکم در کشور ارائه کند.

در این نوشتار در پس از مقدمه، پیشینه موضوع آورده شده است. سپس پایه‌های نظری و چارچوب تدوین و اندازه‌گیری شاخص ارائه شده است. در بخش بعد اشاره به مؤلفه‌ها و روش شناسی اندازه‌گیری این شاخص توضیح داده شده است. پس از آن، شاخص اندازه‌گیری شده و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

اندازه و تغییرات آن در دوره هر یک از دولت‌ها تحلیل شده است. در بخش پایانی، جمع‌بندی ارائه شده است.

در این زمینه کوشش بر آن بوده است که داده‌های تولید شده در منابع داخلی کشور به‌کار برده شود و از سازمان‌هایی که مسئول تهیه این داده‌ها بوده‌اند، گرفته شود. تنها در جایی که داده‌ها در ایران وجود نداشته، از داده‌های منابع جهانی استفاده شده است. در زمینه اسلامی بودن اقتصاد در کشور، داده‌هایی تولید نمی‌شود و داده‌هایی که به‌کار رفته است، داده‌هایی است که می‌تواند به‌گونه ای نشانگر اسلامی بودن اقتصاد باشد، ولی این داده‌ها بسیار محدود هستند.

۱. پیشینه بررسی

در زمینه شاخص ترکیبی اسلامی بودن اقتصاد، کارهای چندانی انجام نشده است. از میان این بررسی‌ها دو می‌توان دو بررسی را که در پایان پیشینه یاد شده است نام برد. با این وجود، می‌توان برخی تلاش‌های دیگر را نیز در این راستا دانست. نگاهی به‌کارهای انجام شده در این راستا می کنیم.

دادگر (۱۳۸۳) در مقاله مؤلفه‌ها و شاخصه‌های الگوی اقتصادی سیاسی اسلام بیان می‌کند که نظریه اقتصاد سیاسی اسلام به‌صورت یک قرائت از اقتصاد سیاسی، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های خود را دارد. تبیین این نظریه، هم از نظر علمی ارزشمند است و هم از جهت سیاست‌گذاری اهمیت دارد. هدف اصلی مقاله این است که به ترسیم الگویی در این زمینه بپردازد. نخست، طرح موضوع و ملاحظات روش‌شناختی و تاریخی را ارائه کرده است. سپس، به عناصر کلیدی اقتصاد سیاسی از نظر اسلامی اشاره کرده است. آنگاه با تحلیل نشان می‌دهد که اقتصاد سیاسی اسلام (دست‌کم در ظرفیت نظری) ضمن آنکه کارآمد است، اخلاق مدار نیز شمرده می‌شود، با این وصف، الگوی اقتصاد سیاسی اسلام می‌تواند با دیگر الگوهای اقتصاد متعارف رقابت کند و با آنها مقایسه شود.

توکلی و کریمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان شاخص اخلاق تجارت از دیدگاه اسلام بیان می کنند که توجه به کارکردهای اخلاق در فضای کسب و کار یکی از دستاوردهای مطالعه‌های بین‌رشته‌ای میان اخلاق و اقتصاد است. در این جهت کوشش‌هایی پراکنده برای سنجش وضعیت اخلاق تجاری صورت گرفته است. بر این پایه آنها ابن پرسش را طرح می‌کنند که آیا می‌توان با استفاده از موازین اسلامی و بحث‌های اخلاقی به استخراج شاخص اخلاق تجاری اقدام کرد؟ برای پاسخ به این پرسش بیان می‌کنند که طراحی این شاخص نیازمند تعریف مفهوم اخلاق تجاری اسلامی و تعیین مؤلفه‌ها و نماگرهای آن است. سپس با استفاده از برخی منابع دینی می‌نویسند که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

می‌توان وضعیت اخلاق تجارت را با توجه به سه مقوله ارزشی عدالت، انصاف و احسان ارزیابی کرد. در پی آن به استخراج نماگرهایی برای سنجش اندازه اخلاقی بودن تجارت می‌پردازند که آن را رویکرد اسلامی می‌نامند. نماگرهای پیشنهادی متشکل از مؤلفه‌های خاصی هستند که از آیه‌ها و روایت‌های معصومان (ع) استخراج شده‌اند.

عزتی (۱۳۹۳) در مقاله تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت ساله، اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و داده‌ها و اطلاعات آماری را به روش اسنادی گردآوری و تحلیل محتوا کرده است. سپس نشانه‌ها برای ساختن شاخص از قانون اساسی را استخراج کرده و پس از استخراج اولیه اجزای مفهومی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این اجزا را به وسیله یک پیمایش چند مرحله‌ای بین نخبگان منتخب ارزیابی و وزن‌دهی و ترکیب کرده است. داده‌های آماری مورد نیاز برای اندازه‌گیری شاخص ترکیبی نیز شامل داده‌های ۲۱ شاخص و متغیر مختلف می‌شود که با هم ترکیب شده‌اند. داده‌های استفاده شده توسط مرکز آمار ایران یا سازمان‌های جهانی گردآوری و در منابع منتشر شده آنها درج شده است. دوره زمانی بررسی در این پژوهش سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ است که داده‌های آن در دسترس است. اندازه‌گیری و تحلیل شاخص‌ها، پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه شاخص‌ها، با روش‌های آماری انجام شده است.

سیدنورانی و خاندوزی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی می‌پردازند و بیان می‌کنند، این امری است که می‌تواند کمک شایانی به رصد اهداف راهبردی جمهوری اسلامی کند. به این منظور نخست مبنای نظری عدالت اقتصادی و سپس روش‌شناسی نماگر ترکیبی معرفی شده است. سپس با تکیه بر روش دلفی دو مرحله‌ای میان نخبگان، وزن‌دهی ابعاد نماگر شناسایی شده و یک نماگر ترکیبی برای عدالت اقتصادی ساخته شده و برای سال‌های دهه ۱۳۸۰ شمسی محاسبه شده است. نتیجه مقاله آن است که روند شاخص کل با شیب بسیار اندکی نزولی بوده است. در سال‌های پایانی دوره فوق، مؤلفه‌های حمایت از حقوق مالکیت و پایبندی به قراردادها و مبادلات کاهش یافته و در کل دوره، مؤلفه‌های بهره‌برداری بهینه از منابع و حق نسل‌های آتی از منابع طبیعی در وضعیت نامناسبی قرار داشته است.

نقی‌پورفر و احمدی (۱۳۸۷) در مقاله شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام، بیان می‌کنند که رویکرد توسعه انسانی، جدیدترین و مقبول‌ترین رویکرد در بحث‌های توسعه است. ولی شاخص‌های توصیه شده در رویکرد رایج توسعه انسانی، برای تحقق جامعه توسعه یافته اسلامی کفایت نمی‌کند. این مقاله با طرح این پرسش که شاخص‌های مناسب اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام کدام است؟ با نگاهی به مبانی، اصول و اهداف توسعه در اسلام و مفهوم توسعه انسانی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

از دیدگاهی اسلامی، به تحلیل کنش متقابل اقتصادی در میان کنش‌گران مسلمان و متدین در شرایط تحقق توسعه انسانی از دیدگاه اسلام پرداخته است و با طراحی نظام واره‌ای اقتصادی، شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام را در شاخص‌های کلی زیر پیشنهاد می‌کنند: کفایت و اطمینان در تأمین نیازهای اساسی، رفاه پایدار، مشارکت فعال اقتصادی، معیشت حلال، عدالت و انصاف، عمران و اصلاح و انفاق.

زراءنژاد و انصاری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به طراحی شاخص ترکیبی اندازه‌گیری میزان انطباق نظام‌های اقتصادی با اصول اقتصاد اسلامی، بیان می‌کنند حوزه اقتصاد اسلامی نیز می‌تواند یکی از حوزه‌هایی باشد که در آن شاخص‌سازی برای تعیین میزان موفقیت دولت‌ها و جوامع مسلمان در دست‌یابی به اهداف و نیز برای مقایسه مفید باشد. همچنین رعایت اصول علمی در دست‌یابی به شاخصی مناسب و معتبر برای ارزیابی میزان موفقیت جوامع مسلمان در اجرای اصول و قواعد اقتصادی اسلام ضروری است. از اینرو، شناخت این روش‌های علمی از ملزومات ساخت شاخص ترکیبی مناسب و معتبر است. آنگاه روش‌هایی علمی و کاربردی را برای تعریف و ساخت یک شاخص مناسب برای اندازه‌گیری برابری یک اقتصاد با اصول اقتصاد اسلامی ارائه کرده‌اند.

زراءنژاد و انصاری و خداپناه (۱۳۹۵) در مقاله تخمین شاخص ترکیبی اقتصاد اسلامی و بررسی روند تغییرات آن در ایران، بیان می‌کنند که تعریف شاخص‌های کاربردی و کمی‌سازی کیفیت‌ها در حوزه‌های مختلف، می‌تواند در کشف مشکل ریشه‌ای، هدف‌گذاری و انتخاب بهترین شیوه رسیدن به هدف، کمک شایان توجهی کند. حوزه اقتصاد اسلامی نیز می‌تواند یکی از این حوزه‌ها باشد. در این مقاله، کوشش شده است با رعایت اصول علمی، یک شاخص ترکیبی برای نشان دادن اسلامی بودن اقتصاد ایران در دوره ۹۱-۱۳۷۴ تعریف و اندازه آن برآورد شود. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد اندازه این شاخص، در این دوره ۱۸ ساله چندان تغییری نداشته و در یک بازه کوچک، فراز و فرودهایی داشته است. کاهش نرخ بیکاری و تورم و رواج دادن فرهنگ سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه در کنار کاهش نرخ سود بانکی، از راهکارهای بهبود این شاخص برای کشور ایران دانسته شده است.

رحمان و عسکری (۲۰۱۰)، با ساختن شاخص‌هایی برای اقتصاد اسلامی و ترکیب آنها، برآوردی از اندازه اسلامی بودن اقتصاد ۲۰۸ کشور جهان انجام داده‌اند. این بررسی با دسته‌بندی فعالیت‌های اقتصادی کشورهای مختلف و به‌دست آوردن آموزه‌های اقتصادی دینی از منابع اصلی، شاخصی ساخته که نام آن را شاخص اسلامی بودن اقتصاد کشورها گذاشته است. در این بررسی رتبه کشورها بر پایه این شاخص، تعیین شده است. برای ساختن شاخص، ۳ هدف اصلی و ۱۱۳ زیر شاخص، معیار قرار داده شده است که هدف‌ها اینها هستند: دست‌یابی به عدالت اقتصادی و رشد ثابت اقتصادی، شکوفایی در سطح وسیع اقتصاد و ایجاد اشتغال و تطابق میان فعالیت‌های مالی و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

قاعده‌های اقتصادی اسلامی.

با وجود اینکه دو شاخص یاد شده در سال‌های اخیر ساخته شده است. ولی شاخص نخست در دوره محدودتر و با متغیرهای محدودتر ساخته شده است و شاخص دیگر نیز برای یک مقطع (سال) اندازه‌گیری شده است. با این همه، نگاه درباره اسلامی بودن می‌تواند مبتنی بر اصول دین، فروع دین، احکام، ظاهرها یا چیز دیگر باشد. اگر بتوان این شاخص را برای دوره طولانی‌تر و مبتنی بر اصول پایه‌ای اسلامی طراحی و اندازه‌گیری کرد، می‌توان تحلیل‌های بهتری ارائه کرد. بر این پایه در بررسی حاضر کوشش می‌شود، مبنای ساخت شاخص، اصول دین باشد و برای دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی اندازه‌گیری شود تا بتوان بر پایه آن کارکرد دولت‌ها را اندازه‌گیری و تحلیل کرد.

۲. روش‌شناسی

عزتی (۱۳۹۴) مراحل ساخت شاخص را چنین بیان می‌کند:

تعریف عملیاتی متغیرها

تعیین اجزای تشکیل دهنده متغیرها و تعریف عملیاتی آنها

ساختن نمادهای محاسباتی برای آنها

همچنین کتاب راهنمای ساخت نماگرهای ترکیبی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) (۲۰۰۸) مراحل ساخت شاخص ترکیبی را چنین بیان می‌کند:

تدوین یا توسعه یک چارچوب نظری

انتخاب متغیرها

محاسبه اطلاعات

تجزیه و تحلیل چند متغیره

نرمال سازی داده‌ها

ضریب‌دهی و تجمع

عزتی (۱۳۹۴) روش‌های ترکیب اجزای شاخص را به دو گروه دسته‌بندی می‌کند:

روش‌های ترکیب ناپارامتری. که اجزا بدون هرگونه شریبی با هم ترکیب می‌شوند و روش‌های ترکیب پارامتری که خود به دو دسته پارامترگذاری با ضرایب برابر و پارامترگذاری با شرایب نابرابر جدا می‌شود.

پارامترگذاری با ضرایب نابرابر به روش‌های گوناگون روش رگرسیونی، روش نظر متخصصان، روش دلفی، نشست تعاملی، روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، روش تحلیل عاملی، تحلیل سلسله مراتبی و مانند اینها جدا می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (۲۰۰۸) نیز ورش‌های استاندارد (نرمال) سازی متغیرها را چنین فهرست می‌کند:

استاندارد سازی یا مقادیر z

روش فاصله از مینیمم

روش فاصله تا مرجع

اختلاف از میانگین

روش دوره‌ای (سیکلی)

درصد تغییرات سالانه در طول سال های متوالی و مانند اینها.

براین پایه ما مراحل کلی ساخت شاخص را این‌گونه انجام می‌دهیم. روش ترکیب ناپارامتری در ترکیب استفاده می‌شود و نیز نرمال (استاندارد) سازی بر پایه روش فاصله از مرجع (سال پایه) و روش تغییرات سالانه استفاده می‌شود. توضیح بیشتر و عملیاتی‌تر در بخش اندازه‌گیری متغیرها، ارائه خواهد شد.

۳. پایه‌های نظری

می‌توان مؤلفه‌های اسلامی بودن را با دو رویکرد شناسایی کرد: یکی، مؤلفه‌هایی که از چارچوب نظری اسلامی بودن به‌دست می‌آیند و دیگری، مؤلفه‌هایی که می‌توانند از تعریف نظام اقتصادی به‌دست آید، یعنی زیرنظام‌های نظام اقتصادی را مؤلفه بدانیم (عزتی، ۱۳۹۵). ما در اینجا رویکرد نخست را مبنای کار خود قرار می‌دهیم. نخست اصول اعتقادی و سپس جایگاه این اصول را در اقتصاد توضیح می‌دهیم تا از این رهگذر، به مؤلفه‌های اسلامی بودن اقتصاد برسیم.

۳-۱. اصول اعتقادی

با این رویکرد، پایه‌های نظری اسلامی بودن اقتصاد بر اصول اعتقادی اسلام استوار است. پایه زیربنایی اسلام، اعتقاد به الله[۱] به معنی اعتقاد به خدای یگانه خالق، عالم و قادر مطلقی است که انسان را آفرید، از روح خود در او دمید و او را جانشین خود بر روی زمین قرار داد. انسان را بیهوده نیافرید، هدف‌دار و برای تکامل آفرید، این جهان و جهان دیگر را برای استفاده او آفرید تا با بهره برداری از آن به تکامل برسد. الله انسان را از خود آفرید و بازگشت او را به خود قرار داد. مقصد او را مشخص کرد، وسایل پیدا کردن (هدایت به) هدف و همچنین راه و ابزار کار را به او داد. خدای

۱. توجه شود که در اسلام پذیرش مبنای اعتقاد به توحید و اصول نشأت گرفته از آن باید مبتنی بر عقل باشد و پذیرش به شیوه اعتمادی مردود است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

عادلی که از انسان به تناسب آنچه به او داده است انتظار و توقع دارد و جهان پس از مرگ را برای پاداش‌دهی به انسان‌هایی قرار داد که راه تکامل را با به‌کار گیری ابزار داده شده به آنها پیموده‌اند. از باور به الله و مستند به کلام الله (قرآن) اصل‌هایی در دین به‌دست می‌آید که عبارتند از:

الله اصل زیر بنایی است که جانشینی انسان برای خدا در زمین، زیر آن است (از جمله مستند به آیه ۳۰ سوره بقره و آیه ۲۴ سوره نور).

عدالت خدا و عدالت در نظام آفرینش (از جمله مستند به آیه‌های ۱۸ و ۱۸۲ آل عمران، ۱۵ انفال، ۱۰ حج تعیین هدف‌های ، ۴۰ نساء و مانند اینها).

وجود حیات پس از مرگ (معاد) (از جمله مستند به سوره بقره آیه ۱۵۴ و سوره آل عمران آیه ۱۶۹)

هدایت از راه فرستادن پیامبران و امامان (ازجمله مستند به سوره‌های مائده آیه ۶۷، احزاب آیه ۳۹، نحل ۳۶ و مانند اینها).[۱]

پذیرش الله نیازمند پذیرش این اصول اعتقادی است و پذیرش اینها، باورها و اعتقادات انسان‌ها و جوامع را شکل می‌دهند. چون باورها و اعتقادات سیاست‌گذاران، یکی از پایه‌های اساسی سیاست‌گذاری آنها است، سیاست‌گذاران، سیاست‌هایی ارائه خواهند کرد که با باورها و اعتقادات آنها سازگار باشد.

۳-۲. جایگاه این پایه‌ها در اقتصاد

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در اقتصاد دو بخش اساسی دارد: یکی هدف‌ها و آرمان‌ها و دیگری ابزار و راه‌ها. پایه اسلام اعتقاد به الله و پذیرش اصل‌های ریشه گرفته از آن، یعنی توحید، عدل، معاد، نبوت، همراه اصالت انسان و عقل او در برابر غیر خدا (اصالت وابسته انسان به خدا) است. این اصل ها می‌توانند در کارکردها به اصل‌های اجرایی و کارکردی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان و

---

۱. اینها بیان دیگری از اصول دین است که در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز چنین آورده شده است:

اصل دوم: جمهور اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
- عدل خدا در خلقت و تشریع.
- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توام با مسئولیت او در برابر خدا.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

چارچوب‌های سازنده حرکت‌های انسان یعنی چارچوب‌هایی برای جامعه و اقتصاد آن و همچنین برخی قانون‌ها در ساخت آن تبدیل شوند.

از اصل توحید و باور به جانشینی انسان برای خدا، این برداشت قابل استفاده است که انسان محور حرکت‌ها و به جانشینی از خدا مالک همه آن چیزهایی است که روی زمین آفریده شده است. خداوند در قرآن در این زمینه می‌فرماید: «هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُم مَّا فِی الأَرضِ جَمِیعًا» (آیه ۲۸ بقره)، یعنی او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید[۱]. همچنین در آیه ۱۲ سوره نحل، شب و روز، خورشید و ماه و ستارگان را در اختیار انسان می‌داند. بر این پایه از دیدگاه اسلامی انسان محور همه نظام‌ها و برنامه‌های در این جهان (و اجتماع) است، به ویژه بر پایه آیه ۷۰ سوره اسرا که می‌فرماید انسان را بر مخلوقات کرامت دادیم، پذیرش محوریت انسان در اسلام قوت می‌گیرد. بر این پایه همه نعمت‌ها برای انسان آفریده شده است و اقتصاد نیز که بر محور تأمین نعمت‌ها استوار است، برای انسان است.[۲]

آزادی انسان در کار اقتصادی و حرکت تکاملی، می‌تواند نتیجه کلی این اصل در اقتصاد باشد. نتیجه دیگر آن، برابری همه انسان‌ها است. سوره اسرا آیه ۷۰ و آیه‌های مشابه کرامت انسان را بیان می‌کند که مبنای آزادی است و آیه ۲۵۶ سوره بقره لا اکراه فی‌الدین را بیان می‌کند که می‌تواند مبنای آن باشد که اگر در امور دین انسان آزاد است در امور دیگر نیز آزاد است و حقوق او باید مراعات شود.[۳]

این انسان، جانشین خدا است. باید همه کردارهای خود را در راستای این جانشینی انجام دهد. او پاسخ‌گوی کردار خود (در همه زمینه‌ها و اقتصاد) نزد خدا خواهد بود. از این رو در قرآن، انسان امانتدار خدا نامیده شده است: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (احزاب،۷۲). خدا انسان و جهان را برای تکامل آفرید (آیه‌های ۱۱۵مومنون، ۱۶ تا ۱۸ انبیا، ۲۸ ص و مانند اینها)، پس انسان‌ها باید هم در تکامل خود بکوشند و هم اقتصاد را به سوی تکامل ببرند. برای تکامل باید همه منابع با کارایی کامل به‌کار

---

۱. مفسرین از جمله علامه طباطبایی در المیزان زیر آیه ۲۴ سوره نور خلافت را به معنای تسلط بر کل زمین می دانند. البته در آیه‌های دیگری که اشاره شده است واژه تسخیر نیز آورده شده است. همچنین واژه‌هایی که نشان‌دهنده آفرینش نعمت‌های جهان برای انسان است.

۲. از آیه‌های ۲۹ بقره، ۱۳ تا ۱۵ نحل، ۲۴ ابراهیم، ۵۱ ذاریات، ۱۰ اعراف و مانند اینها نیز همین قاعده خلقت این جهان برای انسان برداشت می‌شود.

۳. بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی نیز چنین است: رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

گرفته شود و این می‌رساند که ما باید از منابع در اختیار خود بهره‌مندی بهینه داشته باشیم که این بهینگی محور علم اقتصاد نیز هست. همچنین از اصل توحید (لااله الاالله) و خلقت انسان از ماده (خاک) و دمیدن از روح خدا در آن (مستند به آیه‌های ۲۹ حجر، ۷۲ ص و مانند اینها) می‌تواند اصل مادی و معنوی بودن انسان و ضرورت حرکت انسان به سوی تحقق بهینه مادی و معنوی برداشت شود. لازمه تحقق این بهینگی، حرکت جامعه در راستای رشد و توان تولیدی حداکثری است. چون فقر و کمبود تولید و درآمد، هم مادیت انسان را از بین می‌برد و هم معنویت انسان را نابود می‌کند (کاد الفقر ان یکون کفرا)[1] و حرکت در راستای انسان محوری، رفاه همگانی و نبود فقر، می‌تواند نتیجه اقتصادی دیگری برای این اصل باشد.

از اصل عدالت، لزوم تحقق عدالت توسط انسان به‌عنوان جانشین خدا بر روی زمین برداشت می‌شود و از آن، اصل عدالت محوری رفتارهای انسان و از جمله اقتصاد و ضرورت حرکت همه اجزای آن بر قاعده کلی عدالت برداشت می‌شود. عدالت سفارش خدا به انسان و از علت‌های صدور احکام است (آیه‌های مختلفی از قرآن، انسان را به عدالت دعوت می‌کند، مانند: ۵۸ نساء، ۸ و ۴۲ مائده، ۱۵ شورا، ۲۹ اعراف و همچون اینها). به سخن دیگر نمی‌توان هیچ هدف و ابزاری مغایر با عدالت را در اقتصاد گنجاند.

از دو اصل عدالت و جانشینی انسان (در انسان محوری) چنین بر می‌آید که همه انسان‌ها برابر هستند (آیه‌های ۷۰ اسرا، ۳۰ بقره، ۱۳ جاثیه و مانند اینها)، همه نعمت‌ها برای همه آنها آفریده شده است (آیه‌های ۲۸ و ۲۹ بقره، ۱۳ تا ۱۵ نحل، ۲۴ ابراهیم، ۵۱ ذاریات، ۱۰ اعراف و مانند اینها) و همه باید از نعمت‌های اقتصادی بهره‌مند شوند. حتی انسان‌هایی که توانایی ایجاد و خلق نعمت و به‌دست آوردن آن را ندارند، باید نیازهایشان تأمین شود. از این پایه، بایسته تأمین اجتماعی در زمینه‌های گوناگون برداشت می‌شود.

از اصل رستاخیز، هدف‌داری آفرینش انسان و جامعه برداشت می‌شود (آیه‌های ۱۱۵مومنون، ۱۶ تا ۱۸ انبیا، ۲۸ ص و مانند اینها) و این هدف‌داری می‌گوید هر انسانی به اندازه تلاش و کوشش خود پاداش خواهد گرفت (و اَن لَیسَ لِلاِنسانَ اِلا ما سَعی، آیه ۳۹ سوره حجر). یک برداشت از این اصل، کامل‌کننده انسان محوری و عدالت است که می‌گوید عدالت به معنای رسیدن حق هر صاحب حقی به او و زیر پا نگذاشتن حق دیگران و یا تصرف نکردن در حق دیگران است. حق برخورداری از کار و زندگی سالم و جامعه سالم و پایمال نشدن دسترنج انسان‌ها از حقوق انسانی و دینی است که قانون اساسی نیز برای همه انسان‌ها قرار داده است۲. از این برمی‌آید که خوردن مال دیگران از راه

---

۱. اشاره به حدیث نقل شده از پیامبر اکرم (ص)

۲. اصل سوم: قانون اساسی:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۱. بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر.

۲. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۳. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۴. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۵. محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

۶. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۷. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۸. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۹. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور.

۱۰. تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۱. پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

۱۲. تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

۱۳. تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۱۴. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

۱۵. تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

و اصل چهل و سوم:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر ساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

رشوه، اختلاس، دزدی و همه راه‌های خلاف قانون و حتی تورم منجر به ظلم، در تعارض با دین است و جامعه‌ای که این تباهی‌ها (فسادها و جرم‌ها) در آن وجود داشته باشد، از جامعه دینی دور است. بر این پایه می‌توان گفت در این چارچوب، سلامت اقتصادی (که در قانون اساسی نیز نشانه آن را دوری از فساد و تباهی دانسته است) یک نشانه اسلامی بودن اقتصاد است.

۱. همچنین از اصل رستاخیز و وجود زندگی پس از مرگ، هدف‌دار بودن آفرینش انسان به‌دست می‌آید (آیه‌های ۱۱۵مومنون، ۱۶ تا ۱۸ انبیا، ۲۸ ص و مانند اینها). از اصل رستاخیز همراه لزوم حرکت انسان در جهت تکامل، ضرورت حرکت انسان‌ها در چارچوب آموزه‌های دینی، یعنی اخلاق که پایه زندگی دینی دانسته می‌شود (آیه‌های مختلفی از قرآن، مانند ۱۶۴ آل عمران و ۲ جمعه، هدف بعثت پیامبران را تزکیه می‌دانند) به‌دست می‌آید. بر این پایه آشکار می‌شود که انسان باید در این جهان بکوشد تا چنان زندگی کند که زندگی پس از مرگ خوبی داشته باشد. برای زندگی بهتر در جهان پس از مرگ هم باید راه درست آن را بپیماید. این راه به‌کارگیری آموزه‌های دینی و انجام کار در راستای آموزه‌های دینی است که مبنای همه آنها اخلاق است. از این اصل، آشکار می‌شود که کردار برابر آموزه‌های دینی می‌تواند نشان‌دهنده اسلامی بودن جامعه باشد. پس کارکرد اقتصاد برابر آموزه‌های اقتصادی دینی و قانونی، هم در سطح کارگزاران و هم در سطح مردم نشانه اسلامی بودن اقتصاد است.

۲. از اصل هدایت انسان با ابزار عقل، تجربه و هدایت بیرونی، چنین بر می‌آید که نظام جامعه و اقتصاد آن باید بر پایه علم (حاصل مشترک عقل و تجربه) و وحی طراحی شود. چنین نظامی

مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به‌صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶. منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

آرمان‌ها و اهداف علمی و دینی را تحقق خواهد بخشید. پس قوانین و مقررات اقتصادی و نظام‌های اقتصادی، باید سازگار با اسلام و علم و به سخن دیگر اسلامی باشند. همراه با این، باید در جامعه این قوانین رعایت شوند. قانون‌مداری و حاکمیت قانون و تعرض نشدن به حق دینی و قانونی دیگران می‌تواند نشانه‌ای از جامعه اسلامی باشد (عزتی، ۱۳۹۵).

این اصول در زمینه‌های حرکت انسان، اهداف و چارچوبی را مشخص می‌کنند که می‌توان گفت حرکت در این چارچوب، زندگی ترسیم شده برتر انسان در دو جهان است و بر این پایه این اهداف و چارچوب، اهداف و چارچوب اقتصاد اسلامی خواهد بود و اگر یک اقتصاد با این چارچوب سازگار بود، می‌توان آن را اسلامی نامید.

چارچوب یاد شده در بالا، چارچوبی است که می‌توان آن را در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز دید. این نیز می‌تواند تاییدی بر اعتبار این معیارها باشد.

۴. معرفی شاخص اسلامی بودن اقتصاد و داده‌های آن

بر پایه چارچوب نظری ارائه شده در بخش دوم، در اینجا چگونگی ساختن شاخص اسلامی بودن اقتصاد ایران توضیح داده می‌شود.

۴-۱. مؤلفه‌های شاخص اسلامی بودن اقتصاد

بر پایه آنچه در چارچوب نظری گفتیم، مؤلفه‌هایی را که می‌توانند نشان‌گر اسلامی بودن اقتصاد باشند، به‌صورت زیر به‌دست می‌آوریم.

۱. یک مؤلفه پایه‌ای اقتصادی پذیرفته شده در اسلام، رشد، توسعه و رفاه اقتصادی جامعه است که بر پایه اصل جانشینی انسان، خواسته اسلامی است (بند ۱ و ۳ بالا).

۲. دومین مؤلفه اسلامی بودن اقتصاد که می‌توان از این چارچوب نظری به‌دست آورد، عدالت است (بند ۴ بالا).

۳. سومین مؤلفه این اقتصاد، تأمین اجتماعی است (بند ۵ بالا).

۴. چهارمین مؤلفه، سلامت اقتصادی و نبود تباهی و فساد است (بند ۶ بالا).

۵. می‌توان پنجمین مؤلفه اسلامی بودن اقتصاد را رعایت حقوق مردم، حاکمیت قانون، رعایت قوانین و مقررات اسلامی و آزادی‌های اقتصادی در جامعه دانست (بندهای ۲ و ۸ بالا).

۶. ششمین مؤلفه رعایت آموزه‌های اسلامی در زمینه اقتصاد است (بند ۷ بالا).

در اینجا متغیرها را تعریف می‌کنیم، داده‌های متغیرها را معرفی می‌کنیم و چگونگی ترکیب داده‌ها را نیز توضیح می‌دهیم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

۴-۲. متغیرها و داده‌های شاخص اسلامی بودن اقتصاد

در این بررسی، پدیده اصلی شاخص، اسلامی بودن اقتصاد است و می‌توان تعریف عملیاتی آن را چنین ارائه کرد: اسلامی بودن اقتصاد، یعنی اندازه هماهنگی کارکردها، رفتارها، نظام‌ها، قوانین و مقررات و نتایج اقتصادی جامعه با اصول و هدف‌های اسلامی. بر این پایه می‌توان برای هر یک از اجزای شاخص نیز تعریف اسلامی بودن ارائه کرد.

بر پایه آنچه درباره مؤلفه‌های اسلامی بودن اقتصاد یاد شد، می‌توان برای هر یک از مؤلفه‌ها تعریف عملیاتی زیر را ارائه کرد. این تعریف‌ها بر پایه‌های نظری و وجود داده‌های تعریف شده و در دسترس، انتخاب شده‌اند. در این بررسی این تعریف‌ها به‌کار برده می‌شود.

۱. اندازه درآمد ملی سرانه می‌تواند نشان‌گری برای رشد و توان تولید اقتصادی جامعه باشد (برای مؤلفه ۱).

۲. اندازه تبعیض اقتصادی در توزیع بودجه دولت (میان مناطق جغرافیایی، قومی، مذهبی و زبانی)، اندازه تبعیض میان زن و مرد (تبعیض جنسیتی)، اندازه فقر و اندازه توسعه انسانی می‌توانند نشانه هایی برای عدالت باشند (برای مؤلفه ۲).

۳. پوشش همگانی بیمه (با متغیرهای نسبت بیمه شدگان به کل جمعیت، درصد پوشش بیمه‌ای هزینه‌های درمانی و درصد پرداخت از جیب هزینه‌های سلامت) و استحکام خانواده (با متغیرهای درصد خانوارهای تک نفره و نرخ طلاق به ازدواج) می‌توانند متغیرهایی برای نشان دادن اندازه گسترش تأمین اجتماعی باشند (برای مؤلفه ۳).

۴. شاخص کنترل فساد، شمار جرم‌های رخ داده اقتصادی در کشور، نرخ تورم و نرخ بیکاری، می توانند نشانه اندازه فساد باشند. این متغیرها نشان‌دهنده تباهی و فساد اقتصادی هستند که عکس آنها نشان‌دهنده سلامت اقتصادی جامعه می‌باشد (برای مؤلفه ۴).

۵. شاخص‌های کیفیت قانون، حاکمیت قانون و آزادی اقتصادی (رعایت حقوق اقتصادی در جامعه) نیز سه شاخص بین‌المللی است که در این زمینه می‌توان استفاده کرد (برای مؤلفه ۵).

۶. آموزه‌های اسلامی بسیار گسترده هستند، ولی برای بسیاری از آنها داده‌های ملی معتبر وجود ندارد. یکی از آموزه‌های اسلامی ممنوعیت ربا است که به جای وام ربوی توصیه شده است که قرض‌الحسنه پرداخت شود. قرض‌الحسنه می‌تواند نماینده‌ای برای آموزه‌های اسلامی باشد. از این‌رو سهم تسهیلات قرض‌الحسنه به کل تسهیلات بانکی و سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه به کل سپرده های بانکی می‌توانند به‌عنوان نماینده‌ای برای نشان‌دادن اندازه عمل به آموزه‌های اقتصادی اسلامی (یا فرهنگ اقتصادی اسلامی) باشند (برای مؤلفه ۶).

کوشش شده است این مؤلفه‌ها به‌گونه‌ای تعریف شوند که داده‌های آنها در دسترس باشند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

منبع این داده‌ها در پیوست مقاله آورده شده است برای برخی از اینها، شاخص‌هایی ساخته شده است و از آنها استفاده می‌شود. برای برخی نیز داده‌هایی در دسترس است و با آنها شاخص‌هایی می‌سازیم که مؤلفه‌های ما را شکل می‌دهند. از ترکیب این مؤلفه‌ها، شاخص کل اسلامی بودن اقتصاد، ساخته می‌شود.

البته می‌دانیم که این شاخص‌ها و داده‌ها، گویای همه ابعاد اسلامی بودن اقتصاد نیست. ولی تنها می‌توان از داده‌های موجود و معتبر برای ساختن چنین شاخص‌هایی استفاده کرد. این محدودیت‌ها موجب شده است تا ما تنها بتوانیم برای دوره مورد نظر، این شاخص‌ها را به‌کار بگیریم. هر چند می‌دانیم برای کارهای بعدی باید کوشش شود شاخص‌ها کامل‌تر شوند.

۴-۳. چگونگی ترکیب مؤلفه‌ها و ساختن شاخص

هر چند در شاخص‌سازی می‌توان از ترکیب‌ها و عملیات گوناگون ریاضی و بر پایه نیاز و تعریف شاخص‌ها، برای ساخت شاخص استفاده کرد، ولی به علت‌های گوناگون می‌توان گفت ساخت شاخصی ساده‌تر می‌تواند برتری‌های بسیاری داشته باشد. مانند: درک بهتر همگان از شاخص و مفهوم و ابعاد آن، آسان‌تر شدن ساخت شاخص، آسان‌تر شدن گردآوری داده‌ها، آسان‌تر شدن اندازه‌گیری شاخص و زیرشاخص‌های آن، آسان‌تر شدن پیگیری تغییرات آینده و اصلاح و بازبینی در آن، امکان‌پذیری بیشتر برای به‌کارگیری، تعمیم و یا اصلاح آن برای کارهای دیگر، آسان شدن ارزیابی شاخص و داده‌های آن از سوی منتقدان و ناظران، آسان شدن ساخت و اندازه‌گیری آن برای آینده از سوی دیگران و همچون اینها. البته بحث شاخص‌سازی بسیار مفصل و از حوصله این مقاله خارج است[۱].

افزون بر این، تجربه و بررسی‌های تجربی نشان می‌دهد که بیشتر شاخص‌های مهم و معتبر در سطح جهانی مانند شاخص توسعه انسانی بر این پایه طراحی و ساخته شده‌اند. بر این پایه در این گزارش کوشش شده است از ساده‌ترین روش‌های ساخت و ترکیب شاخص استفاده شود.

---

۱. برای توضیح در باره روش‌های شاخص‌سازی و شیوه‌های ترکیب داده‌ها از جمله نگاه شود به:

OECD (2008) Handbook on Constructing Composite Indicators: METHODOLOGY AND USER GUIDE, OECD.

عزتی، مرتضی (۱۳۹۴) روش تحقیق در علوم اجتماعی: کاربرد در زمینه علوم اجتماعی، نشر نورعلم و پژوهش‌های ما

طباطبایی، رویا (۱۳۸۸) تدوین شاخص‌های توسعه سند چشم‌انداز، (پروژه پژوهشی)، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

استانداردسازی که در مرحله اندازه‌گیری داده‌ها به‌کار می‌رود، به‌گونه‌ای انجام شده است که برای ترکیب تغییری در آنها داده نشود. به همین علت، روش ترکیب با ضریب‌های برابر، به‌کار برده شده است.

از آنجایی که داده‌های ما بسیار گوناگون و با پایه‌های ناهمسان است، در آن نمی‌توان از ترکیب ساده شاخص‌ها (متغیرها یا داده‌ها)، ویژگی‌هایی را که نیاز است شاخص داشته باشد، به‌دست آورد و باید ترکیب ویژه‌ای انجام شود تا نیاز را برآورده کند. هدف ما ارزش‌گذاری گروه داده‌ها نیست، هدف فراهم کردن شاخص شمارشی ویژه است که نیاز را برآورده کند. به سخن دیگر در این شیوه ها، داده‌ها برای ترکیب، نخست استانداردسازی می‌شوند. این استانداردسازی با درصد تغییرهای سالانه بر پایه عدد ۱۰۰ برای هر سال و استانداردسازی بر پایه سال پایه برابر صد انجام می‌شود و دو شاخص جمع ساده درصد تغییرهای متغیرها یا همان زیر شاخص‌ها برای نشان دادن تغییرهای شاخص و جمع شاخص میانگین ساده شاخص سال پایه برابر صد همه متغیرها یا همان زیر شاخص‌ها برای شاخص کل اسلامی بودن اقتصاد به‌کار می‌رود که این چارچوب، الگوی ساختن شاخص اسلامی بودن اقتصاد ایران است.

الف. تعیین سال پایه و ساختن شاخص سال پایه

از آنجا که سال ۱۳۶۰ سال تشکیل نخستین دولت پایدار در جمهوری اسلامی است، سال پیش از آن، سال پایه در نظر گرفته شده است. اندازه شاخص هر زیرمؤلفه و در گام بعدی پس از ترکیب، برای هر مؤلفه را در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان سال پایه در نظر گرفته‌ایم و شاخص سال‌های دیگر را بر پایه اندازه شاخص این سال به‌دست آورده‌ایم. به این صورت که اندازه متغیر هر سال را برای هر مؤلفه بر اندازه متغیر سال پایه تقسیم و در عدد صد ضرب کرده‌ایم.

ب. تغییرهای درصدی سالانه شاخص

برای اینکه تغییرهای سالانه شاخص را نشان دهیم (اینکه هر سال نسبت به سال پیش چه تغییری کرده است) شاخص دیگری با نام تغییرهای درصدی در نظر گرفته‌ایم. این‌گونه که شاخص ساده هر زیرمؤلفه را در هر سال بر سال پیش از آن تقسیم و عدد یک را از حاصل آن کم کرده‌ایم. سپس اینها را برای زیرمؤلفه‌ها با هم میانگین گرفته‌ایم. آنگاه این کار را در گام بعد برای ترکیب تغییرهای همه مؤلفه‌ها انجام داده‌ایم تا شاخص تغییرهای کل به‌دست آید. این شیوه تغییرها را نسبت به تغییرهای همه زیرمؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها تعدیل و اندازه تغییرها را متعادل‌تر می‌کند.

ج. ترکیب متغیرها برای ساختن شاخص کل

یک بار برای ساختن شاخص هر مؤلفه، زیر مؤلفه‌ها با میانگین‌گیری ترکیب شده‌اند. در گام پایانی برای ساختن شاخص کل، اندازه شاخص مؤلفه‌ها را با هم جمع کرده‌ایم و میانگین گرفته‌ایم تا

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

شاخص کل به‌دست بیاید. سپس برابر آنچه درباره ساختن شاخص سال پایه و شاخص تغییرهای مؤلفه‌ها گفتیم، برای شاخص، کل شاخص سال پایه و شاخص تغییرهای درصدی ساخته‌ایم.

۵. اندازه شاخص اسلامی بودن اقتصاد

بر پایه آنچه در بخش نخست آوردیم، در اینجا شاخص اسلامی بودن اقتصاد را بر پایه داده‌های کارکرد اقتصاد ایران اندازه‌گیری و گزارش می‌کنیم. هر چند این شاخص‌ها گویای خوبی از کارکرد اقتصاد در راستای اهداف اقتصادی اسلامی است، ولی نمی‌توان گفت اینها همه آن چیزی است که اسلام یا یک دین الهی از اقتصاد انتظار دارد. با این همه، اینها می‌توانند گویای بخشی از اهداف اقتصادی اسلامی باشند.

یک نکته مهم این است که برخی از داده‌های مؤلفه‌های این شاخص‌ها برای همه سال‌ها فراهم نبوده‌اند. برای کامل کردن این بخش از داده‌ها، روند سال‌های پیش و پس از آن را که داده‌های آن در دسترس بوده است، گرفته و بر پایه روند، شاخص را کامل کرده‌ایم. چون تعداد داده‌ها و متغیرهای (مؤلفه‌های) ما زیاد است، این روندها بر پایه اصول آماری با فرض نرمال بودن تغییرها، روند چندان دور از واقعیتی به‌دست نمی‌دهد. بر این پایه، شاخص هر یک از مؤلفه‌های شش‌گانه و ترکیب آنها اندازه‌گیری شده است. شاخص ترکیبی اسلامی بودن اقتصاد از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۹۲ در جدول ۱ آورده شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

جدول ۱. شاخص اسلامی بودن اقتصاد و زیر شاخص‌های آن

سال	شاخص رواج قرض الحسنه سال پایه ۱۰۰	شاخص رشد و رفاه همگانی سال پایه ۱۰۰	شاخص قانون گرایی اقتصادی سال پایه ۱۰۰	شاخص سلامت اقتصادی سال پایه ۱۰۰	شاخص تأمین اجتماعی سال پایه ۱۰۰	شاخص عدالت اقتصادی سال پایه ۱۰۰	شاخص تغییرهای شاخص ترکیبی کل اسلامی بودن اقتصاد	شاخص ترکیبی کل اسلامی بودن اقتصاد سال پایه ۱۰۰
۱۳۵۹	۱۰۰.۰۰	۱۰۰.۰۰	۱۰۰.۰۰	۱۰۰.۰۰	۱۰۰.۰۰	۱۰۰.۰۰		۱۰۰.۰۰
۱۳۶۰	۹۸.۳۵	۹۱.۴۶	۹۸.۸۲	۹۳.۴۹	۹۷.۶۳	۱۱۱.۴۸	-۱.۴۶	۹۸.۵۴
۱۳۶۱	۹۶.۶۸	۱۰۸.۰۵	۹۸.۴۹	۹۷.۸۰	۹۶.۴۷	۱۲۷.۰۳	۵.۲۳	۱۰۴.۰۹
۱۳۶۲	۹۵.۱۴	۱۱۴.۰۸	۹۸.۵۲	۹۲.۳۵	۹۸.۵۸	۱۲۸.۴۱	۰.۱۹	۱۰۴.۵۱
۱۳۶۳	۱۲۴.۳۳	۱۰۱.۴۹	۹۸.۰۶	۹۸.۰۸	۹۸.۸۱	۱۳۳.۹۶	۴.۳۲	۱۰۹.۱۲
۱۳۶۴	۱۲۴.۶۰	۹۹.۴۲	۹۸.۰۷	۱۱۰.۹۴	۹۸.۸۰	۱۰۹.۹۷	-۱.۹۳	۱۰۶.۹۷
۱۳۶۵	۱۲۰.۷۷	۸۶.۳۳	۹۹.۳۴	۱۳۸.۶۵	۹۵.۵۳	۱۱۵.۹۳	۰.۶۷	۱۰۹.۴۳
۱۳۶۶	۱۱۱.۲۳	۸۴.۴۳	۱۰۱.۲۷	۷۶.۶۲	۹۸.۶۷	۱۱۰.۳۲	-۴.۸۸	۹۷.۰۹
۱۳۶۷	۱۰۱.۳۹	۷۸.۰۵	۱۰۳.۲۹	۷۳.۷۵	۱۰۱.۶۲	۱۰۶.۵۱	-۲.۹۳	۹۴.۱۰
۱۳۶۸	۸۲.۹۱	۸۰.۶۵	۱۰۴.۶۵	۷۳.۲۷	۱۰۹.۳۲	۱۱۰.۷۸	-۰.۴۰	۹۳.۶۰
۱۳۶۹	۶۸.۱۲	۸۹.۷۷	۱۰۶.۳۶	۸۸.۳۴	۱۰۸.۳۶	۹۵.۹۹	۰.۳۴	۹۲.۸۲
۱۳۷۰	۶۱.۹۴	۹۸.۳۸	۱۰۶.۴۹	۱۲۱.۸۰	۱۱۰.۰۹	۱۰۰.۰۰	۵.۰۶	۹۹.۷۹
۱۳۷۱	۶۰.۲۱	۹۹.۹۳	۱۰۵.۸۷	۸۷.۶۹	۱۱۳.۴۵	۱۰۱.۲۲	-۱.۷۱	۹۴.۷۳
۱۳۷۲	۵۷.۸۱	۹۹.۸۲	۱۰۴.۷۷	۸۱.۴۸	۱۲۱.۴۹	۱۰۵.۷۷	۱.۴۲	۹۵.۱۹
۱۳۷۳	۵۶.۸۸	۹۷.۴۷	۱۰۴.۲۰	۸۰.۵۵	۱۲۰.۳۲	۱۱۸.۸۲	۱.۱۶	۹۶.۳۸
۱۳۷۴	۵۶.۵۷	۹۸.۶۴	۱۰۳.۵۵	۷۱.۰۰	۱۱۷.۶۹	۱۱۹.۶۵	-۱.۹۲	۹۴.۵۲
۱۳۷۵	۵۳.۶۴	۱۰۲.۴۶	۹۷.۳۳	۶۳.۸۸	۱۲۱.۰۰	۱۲۶.۵۹	-۱.۸۹	۹۴.۱۵
۱۳۷۶	۶۱.۸۰	۱۰۱.۵۹	۱۰۰.۵۷	۷۳.۸۰	۱۲۱.۷۸	۱۳۶.۲۹	۷.۸۲	۹۹.۳۰
۱۳۷۷	۷۵.۸۶	۱۰۲.۰۹	۱۰۴.۱۲	۸۰.۷۵	۱۲۳.۰۸	۱۲۶.۱۳	۵.۲۰	۱۰۲.۰۱
۱۳۷۸	۷۳.۰۶	۱۰۲.۱۰	۱۱۳.۳۱	۷۳.۶۵	۱۲۲.۰۷	۱۲۹.۸۹	-۰.۵۶	۱۰۲.۳۵
۱۳۷۹	۷۲.۸۷	۱۰۶.۱۰	۱۲۹.۱۲	۶۸.۹۵	۱۲۲.۰۴	۱۲۵.۳۳	۱.۷۴	۱۰۴.۰۷

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

۱۳۸۰	۷۶.۱۸	۱۰۶.۴۸	۱۲۵.۲۱	۸۶.۲۳	۱۲۰.۶۷	۱۳۰.۷۴	۳.۱۲	۱۰۷.۵۹
۱۳۸۱	۸۸.۹۰	۱۱۳.۴۰	۱۲۱.۹۷	۹۸.۹۹	۱۱۹.۸۴	۱۴۲.۲۳	۸.۸۸	۱۱۴.۲۲
۱۳۸۲	۷۸.۸۳	۱۲۱.۰۹	۱۳۰.۳۶	۱۰۹.۲۷	۱۱۹.۲۵	۱۵۶.۶۵	۵.۲۷	۱۱۹.۲۴
۱۳۸۳	۸۰.۸۹	۱۲۴.۸۰	۱۲۹.۴۸	۹۹.۱۵	۱۱۸.۳۱	۱۷۴.۴۶	۱.۲۱	۱۲۱.۱۸
۱۳۸۴	۷۸.۱۹	۱۳۰.۶۸	۱۲۴.۳۵	۹۲.۲۵	۱۱۵.۱۵	۱۸۷.۲۱	-۰.۶۷	۱۲۱.۳۰
۱۳۸۵	۷۴.۳۴	۱۳۶.۴۴	۱۱۴.۰۲	۱۰۶.۹۵	۱۱۳.۲۹	۱۷۹.۹۳	-۲.۰۱	۱۲۰.۸۳
۱۳۸۶	۶۶.۸۰	۱۴۵.۲۱	۱۱۰.۸۶	۹۷.۹۸	۱۱۱.۴۶	۱۸۴.۳۹	-۲.۰۳	۱۱۹.۴۵
۱۳۸۷	۶۳.۸۸	۱۴۴.۳۲	۱۱۱.۸۵	۸۲.۷۲	۱۰۸.۴۸	۲۰۴.۴۲	۰.۱۱	۱۱۹.۲۸
۱۳۸۸	۶۶.۰۱	۱۴۴.۲۹	۱۰۷.۷۲	۶۵.۸۱	۱۰۶.۵۵	۱۸۹.۵۲	-۳.۳۵	۱۱۳.۳۲
۱۳۸۹	۶۶.۸۰	۱۵۱.۶۵	۱۰۷.۰۰	۹۱.۸۴	۱۰۷.۱۴	۲۱۳.۷۴	۶.۶۹	۱۲۳.۰۳
۱۳۹۰	۶۷.۲۵	۱۵۶.۰۹	۱۰۸.۴۳	۸۱.۰۵	۱۰۵.۹۱	۲۵۷.۵۶	۲.۱۰	۱۲۹.۳۸
۱۳۹۱	۶۵.۲۴	۱۴۳.۸۰	۱۰۵.۸۲	۶۲.۱۲	۱۰۸.۰۶	۱۸۴.۹۱	-۵.۸۵	۱۱۱.۶۶
۱۳۹۲	۵۶.۳۸	۱۳۹.۳۸	۱۰۴.۴۱	۵۵.۵۹	۱۰۷.۴۰	۱۹۱.۱۲	-۳.۸۷	۱۰۹.۰۵
۱۳۹۳	۵۴.۹۰	۱۴۳.۳۸	۱۱۷.۳۲	۸۱.۰۸	۱۱۲,۵۳	۲۲۲,۴۲	۳.۲۸	۱۱۳.۹۹

۶. تحلیلی بر کارکرد دولت‌ها در تحقق هدف‌های اسلامی اقتصاد

یکی از مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران، تغییرات شدید در سیاست‌ها، تحت تأثیر تغییر دولت‌ها است. این سیاست‌ها به علت محدودیت‌های رشد اقتصادی در ایران، توان ایجاد تحول در شتاب بالای رشد اقتصادی را ندارند، ولی به علت امکان ایجاد اثر منفی سیاست‌ها، به شدت رشد اقتصادی و نیز توسعه دیگر شاخص‌ها، تحت تأثیر تغییر دولت‌ها قرار دارد.

بر این پایه نگاهی داریم به تغییرات شاخص اسلامی سازی اقتصاد در دوره‌های تصدی دولت-های مختلف جمهوری اسلامی ایران. دولت‌ها با ویژگی شناخته شده آنها نام‌گذاری شده و دوره تصدی آنها مشخص شده است. اندازه شاخص در هر سال، جمع تغییرات این شاخص در ۷ سال و ۹ سال هر دولت و میانگین تغییرات این شاخص برای هر دولت دو دوره‌ای، در جدول ۲ آورده شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

جدول۲. روند اسلامی شدن اقتصاد ایران در دوره هر دولت

دولت سوم و چهارم (۱۳۶۰-۱۳۶۸) دوران دفاع مقدس		دولت پنجم و ششم (۱۳۶۸-۱۳۷۶) سازندگی			دولت هفتم و هشتم (۱۳۷۶-۱۳۸۴) اصلاحات			دولت نهم و دهم (۱۳۸۴-۱۳۹۲) اصوگرا		
سال	شاخص ترکیبی کل اسلامی بودن اقتصاد سال پایه ۱۰۰	شاخص تغییرهای شاخص ترکیبی کل اسلامی بودن اقتصاد	سال	شاخص ترکیبی کل اسلامی بودن اقتصاد سال پایه ۱۰۰	شاخص تغییرهای شاخص ترکیبی کل اسلامی بودن- اقتصاد	سال	شاخص ترکیبی کل اسلامی بودن اقتصاد سال پایه ۱۰۰	شاخص تغییرهای شاخص ترکیبی کل اسلامی بودن اقتصاد	سال	شاخص ترکیبی کل اسلامی بودن اقتصاد سال پایه ۱۰۰	شاخص تغییرهای شاخص ترکیبی کل اسلامی بودن اقتصاد
1359	100.00										
1360	98.54	-1.46	1368	93.60	-0.40	1376	99.30	7.82	1384	121.30	-0.67
1361	104.09	5.23	1369	92.82	0.34	1377	102.01	5.20	1385	120.83	-2.01
1362	104.51	0.19	1370	99.79	5.06	1378	102.35	-0.56	1386	119.45	-2.03
1363	109.12	4.32	1371	94.73	-1.71	1379	104.07	1.74	1387	119.28	0.11
1364	106.97	-1.93	1372	95.19	1.42	1380	107.59	3.12	1388	113.32	-3.35
1365	109.43	0.67	1373	96.38	1.16	1381	114.22	8.88	1389	123.03	6.69
1366	97.09	-4.88	1374	94.52	-1.92	1382	119.24	5.27	1390	129.38	2.10
1367	94.10	-2.93	1375	94.15	-1.89	1383	121.18	1.21	1391	111.66	-5.85
1368	93.60	-0.40	1376	99.30	7.82	1384	121.30	-0.67	1392	109.05	-3.87
جمع ۷ سال		۰,۶۷۹			۲,۴۵۶			۲۴,۸۶۳			-۴,۳۴۵
میانگین۷سال		۰,۰۹۷			۰,۳۵۰			۳,۵۵۲			-۰,۶۲۱
جمع ۹ سال		-۱,۰۹۷			۹,۸۸۲			۳۲,۰۱۷			-۸,۸۸۹
میانگین۹سال		-۰,۱۳۱			۱,۰۹۸			۳,۵۵۷			-۰,۹۸۸
تعدادسالهای مثبت درون دوره		۴ از ۷ سال			۴ از ۷ سال			۶ از ۷ سال			۳ از ۷ سال

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

بر این پایه چنانچه مشاهده می‌شود در دولت دوران دفاع مقدس (۱۳۶۰-۱۳۶۸) با وجود جنگ تحمیلی و فشارهای شدید ناشی از آن که می‌بایست به شدت موجب کاهش شاخص‌های اقتصادی بشود، به علت‌های مختلف از جمله سلامت بیشتر مدیریت‌ها و اتکای بیشتر به دانش و تجربه جهانی در اداره کشور و نیز باقی بودن اندکی از ظرفیت‌های رشد اقتصادی از گذشته، شاخص اسلامی بودن اقتصاد، رشد منفی محسوسی نداشته است.

در دوره سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، با برطرف شدن خطر جنگ و حرکت به سوی استفاده از علم اقتصاد توصیه شده از سوی نهادهای جهانی برای رشد اقتصادی، وضعیت اندکی بهبود پیدا کرد و به‌طور متوسط، شاخص اسلامی شدن اقتصاد، سالانه حدود یک درصد رشد داشته است. هر چند در برخی سال‌ها به علت شدت تورم و برخی نابسامانی‌های اقتصادی، این شاخص افت داشته، ولی روند کلی آن مثبت بوده است. یکی از علت‌های اینکه با وجود باز شدن فضا و برخورداری از ظرفیت رشد اقتصادی پس از جنگ، این شاخص‌ها و ترکیب آن رشد مورد انتظا را نداشته است، توجه اندک به شرایط اقتصادی کشور در سیاست‌گذاری‌ها و نیز دخالت عوامل غیراقتصادی در سیاست‌گذاری‌های کلان بوده است.

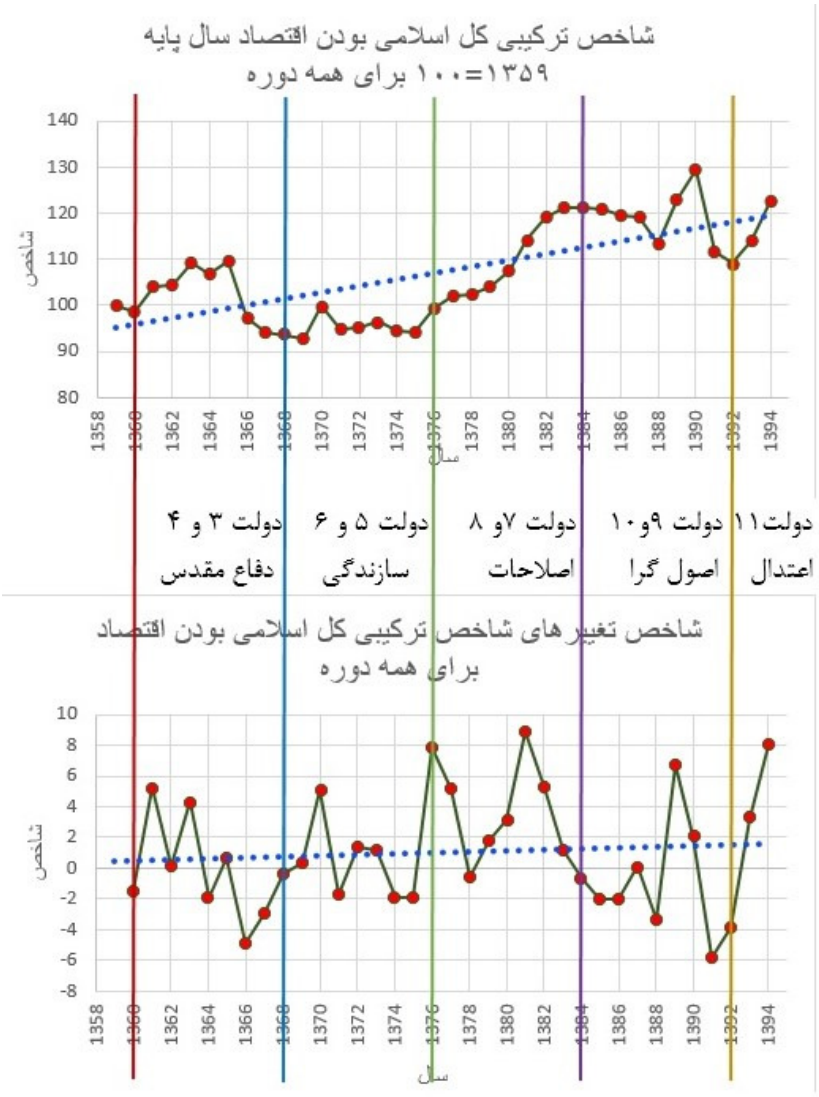
در دوره اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) با گرایش دولت به اقتصاد ملی و سیاست‌گذاری اقتصادی بر پایه علم اقتصاد و با نگاه به شرایط ویژه اقتصادی کشور، روند شاخص‌های اقتصادی بهبود یافت و حرکت اقتصاد به سوی اسلامی شدن تقویت شد. هر چند هنوز بخش قابل توجهی از عوامل غیراقتصادی همچنان بر سیاست‌های اقتصادی سایه افکنده بود، ولی سیاست‌های علمی، اثرگذاری بیشتری بر مثبت شدن شاخص‌های اقتصادی داشت. به‌گونه‌ای که در این دوره شاخص اسلامی شدن اقتصاد، سالانه ۳/۵ درصد بهبود یافت. در این دوره اقتصاد بهبود نسبی خوبی یافت و وضعیت عمومی شاخص‌های اقتصاد اسلامی رشد کرد.

در دوره دولت اصول‌گرا (۱۳۸۴-۱۳۹۲) با وجود بهبود نسبی درآمدهای نفتی در این دوره و رشد چشمگیر سرمایه‌گذاری‌ها در دولت پیشین که می‌بایست آثار ان موجب تقویت رشد شاخص های اقتصادی در این دوره شود، این اثر تنها در سال‌های نخست رخ داد و در سال‌های بعد، شاخص اسلامی شدن اقتصاد به شدت بدتر شد، به‌گونه‌ای که به طور متوسط، سالانه حدود یک درصد منفی بوده است.

شاخص در مجموع در دوره دولت اصلاحات، بهترین رشد را داشته است، سپس در دوره سازندگی، پس از ان در دوره جنگ و در پایان و به‌عنوان بدترین وضعیت در دوره دولت اصول‌گراها بوده است.

روند و تغییرات این شاخص ترکیبی در نمودار ۱ ارائه شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]



نمودار ۱. روند و تغییرات شاخص اسلامی شدن اقتصاد ایران در دولت‌های مختلف

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

۷. جمع بندی

نگاهی به اصول اعتقادی اسلامی، نشان می‌دهد می‌توان هدف رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی این دنیایی و تحقق عدالت اقتصادی را از هدف‌های اصلی اقتصادی اسلامی دانست. در کنار آن هدف‌های دیگر نیز مهم هستند. بر پایه این اصول، می‌توان اسلامی بودن اقتصاد کشورها را با معیارهای یاد شده ارزیابی کرد. در این مقاله با یک نگاه علمی و به دور از سیاست‌زدگی و نگاه‌های غیرعلمی، شاخصی ساخته شد و بر پایه داده‌های عملکرد موجود اقتصاد کشور، مقدار شاخص ترکیبی برای تحقق اقتصاد اسلامی برای سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی اندازه‌گیری شد. در تحلیل روند آن می‌توان گفت اقتصاد کشور در این سال‌ها اندکی به سوی اسلامی شدن رفته است.

با این وجود در دوره جنگ تحمیلی موفقیت چندانی در این زمینه به‌دست نیامد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین علت آن، وجود جنگ تحمیلی و آثار آن بوده است.

در دولت سازندگی، موفقیت نسبی محدودی در حد سالانه یک درصد مثبت رخ داده است. شاید بتوان گفت با وجود ظرفیت‌های مناسب آن دوره، علت اصلی کم بودن این رشد، کم‌توجهی به شرایط اقتصادی و اجتماعی در کشور در زمان به‌کارگیری سیاست‌های علمی اقتصاد بوده باشد.

در دوره دولت اصلاحات، روند این شاخص، بهبود بیشتری یافت و به رشد سالانه ۳/۵ درصد رسید. شاید بتوان گفت این موفقیت نسبی، با به‌کارگیری دانسته‌های علمی اقتصاد، متناسب با در نظر گرفتن ویژگی‌های کشور بوده است.

در دوره دولت اصول‌گرا، این شاخص نتوانست روند ایجاد شده در دولت اصلاحات را ادامه دهد و رشد متوسط سالانه حدود منفی یک درصد را به‌دست آورد. شاید بتوان گفت علت این شکست، کنار گذاشتن علم اقتصاد از سیاست‌گذاری‌ها و اعمال نظرات شخصی در بسیاری از سیاست‌ها بوده باشد.

این بررسی نشان می‌دهد دولت‌ها در ایران می‌توانند به اندازه محدود بر رشد اقتصادی و بهبود شاخص‌های اقتصادی اثر بگذارند و این رشد محدود نیز تنها در برخی دولت‌ها رخ داده است. عوامل و موانع مهم‌تری برای رشد اقتصادی ایران وجود دارد که در حوزه خارج از اقتصاد از سوی سیاست‌گذاران اصلی حمایت می‌شود. این موانع که از جمله اصلی‌ترین آنها ترجیح هدف‌های دیگر بر هدف‌های اقتصادی و علم ناباوری است، اصلی‌ترین موانع توسعه و اسلامی شدن اقتصاد در ایران هستند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

منابع

۱. قرآن.
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۳. توکلی، محمدجواد و سعید کریمی (۱۳۹۳) شاخص اخلاق تجارت از دیدگاه اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهاردهم، بهار ۱۳۹۳، صص ۵-۳۰.
۴. دادگر، یدالله (۱۳۸۳) مؤلفه‌ها و شاخصه‌های الگوی اقتصادی سیاسی اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهارم، بهار ۱۳۸۳، صص ۷۵-۱۰۲
۵. زراءنژاد، منصور و الهه انصاری (۱۳۹۳) شاخص ترکیبی اندازه‌گیری میزان انطباق نظام‌های اقتصادی با اصول اقتصاد اسلامی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره نهم، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۳۵-۱۶۰.
۶. زراءنژاد، منصور و الهه انصاری و مسعود خداپناه (۱۳۹۵) تخمین شاخص ترکیبی اقتصاد اسلامی و بررسی روند تغییرات آن در ایران، فصلنامهژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶۳، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۶۷-۱۹۴.
۷. سید نورانی، سیدمحمدرضا و سید احسان خاندوزی (۱۳۹۴) معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی ازمنظر اسلامی در ایران، فصلنامه راهبرد مجلس، دوره ۲۳، شماره ۸۵، بهار ۱۳۹۵، صص ۵۷-۸۴. .
۸. طباطبایی، رویا (۱۳۸۸) تدوین شاخص‌های توسعه سند چشم‌انداز، (پروژه پژوهشی)، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
۹. عزتی، مرتضی (۱۳۹۳) تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت ساله، فصلنامه سیاست‌های کلان، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۳، صص ۲۰۵-۲۴۱.
۱۰. عزتی، مرتضی (۱۳۹۴) روش تحقیق در علوم اجتماعی: کاربرد در زمینه علوم اجتماعی، نشر نورعلم و پژوهش‌های ما
۱۱. نقی‌پورفر، ولی‌اله و محمدرضا احمدی (۱۳۸۷) شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، پاییز ۱۳۸۷, دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۶۹-۱۰۱.
12. OECD (2008) Handbook on Constructing Composite Indicators: METHODOLOGY AND USER GUIDE, OECD.
13. Rehman, Scheherazade S. and Askari, Hossein (2010) An Economic IslamicityIndex (EI2), Global Economy Journal, Volume 10, Issue 3, Published by Berkeley Electronic Press, 2010

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

منابع داده‌ها

داده	تهیه کننده داده	ماخذ
شاخص فقر	بانک جهانی	گزارش آماری سالیانه بانک جهانی
تبعیض بین منطقه‌ای در بودجه دولت	عزتی، ۱۳۹۳	تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در ایران
نابرابری جنسیتی	سازمان ملل	گزارش توسعه انسانی سازمان ملل
شاخص توسعه انسانی	سازمان ملل	گزارش توسعه انسانی
درصد پرداخت از جیب هزینه‌های سلامت	مرکز آمار ایران	سالنامه آماری
درصد پوشش بیمه‌ای هزینه‌های درمانی	مرکز آمار ایران	مرکز آمار ایران سالنامه آماری
ضریب نفوذ تأمین اجتماعی	مرکز آمار ایران	سالنامه آماری
درصد خانوارهای تک نفره	مرکز آمار ایران	سالنامه آماری
نرخ طلاق به ازدواج	مرکز آمار ایران	سالنامه آماری
نرخ تورم	بانک مرکزی ج. ا. ا.	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی
نرخ بیکاری	مرکز آمار ایران	سالنامه آماری
شاخص جرم‌های رخ داده	قوه قضاییه	به نقل از پایاننامه دکتری، ملکی، ۱۳۹۳
شاخص کنترل فساد	بانک جهانی	گزارش آماری سالیانه بانک جهانی
حاکمیت قانون	بانک جهانی	گزارش آماری سالیانه بانک جهانی
آزادی اقتصادی	موسسه فریزر	شاخص آزادی اقتصادی
شاخص کیفیت قانون	بانک جهانی	گزارش آماری سالیانه بانک جهانی
درآمد ملی سرانه	بانک مرکزی ج. ا. ا.	حساب‌های ملی
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کل	بانک مرکزی ج. ا. ا.	حساب‌های ملی
نسبت سپرده‌های قرض‌الحسنه به کل سپرده‌ها	بانک مرکزی ج. ا. ا.	حساب‌های ملی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]